



شماره ۴  
پاییز و زمستان  
۱۳۸۶

# ولات

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی قوم بختیاری  
و سایر همزبانان لر



ویژه‌نامه  
فرهنگ نامهای  
لری بختیاری

## فهرست

۵ .....	مقدمه مؤلف .....
۶ .....	نامهای پسران .....
۲۳ .....	نامهای دختران .....

## مقدمه مؤلف

فرهنگ نام‌های لُری بختیاری؛ مجموعه‌ای است از نام‌های اصیل، زیبا و خوش معنا. لُر زیانان بختیاری با نهادن این نام‌ها بر فرزندان خود یا مؤسسات، شرکت‌ها و فروشگاه‌ها و یا همچنین با انتخاب تخلص از میان این نام‌ها از سوی شاعران و هنرمندان - همچنان که برخی دوستانِ شاعر و هنرورم چنین کردند - به نوعی واژگان زبان مادری را ماندگار می‌کنند. بایسته است یادآور شوم که نام‌های آمده در این دفتر، چند گونه‌اند:

- برخی نام‌ها، واقعی و پیشینه‌دار بوده و پیشترها یا هم اینک رایج بوده و هست، همچون: «نازه»، «نشمین»، «بیلال»، ...

- برخی، اسامی کوه‌ها، رودها، گل‌ها، گیاهان و مکان‌هایی در بختیاری است و به جهت خوش آهنگی و خوش مفهومی آن برای «نام» مناسب بوده است، همچون: «تاراز» و «دلار» کوه‌هایی در بختیاری.

- برخی نام‌ها نیز از سوی اینجانب پیشنهاد شده است که این گونه اسامی به کمک پسوندها، پیشوندها و سایر توانمندی‌های زبان لُری بختیاری ترکیب و ساخته شده است که به نوعی حرکتی جسورانه در جهت بیرون آوردن زبان مادری از ایستایی و انعطاف‌پذیر ساختن آن بوده است. همچنان که بسیاری از اصطلاحات اصیل زبان فارسی امروزی، بر ساخته شاعران توانمند فارس بوده است که زبان خود را طی سده‌ها غنی ساخته‌اند، اینک وظیفه شуرا (مخصوصاً) و دیگر هنرمندان لُر زبان است که واژگان کهن را زنده کنند و تعبیر و ساخته‌های جدید بسازند. از زمرة واژگان بر ساخته چنین است: چیدا (چی + دا) = همچون مادر.

و آخر آنکه، در انتخاب نام‌ها، نخست به خوش آهنگی و زیبایی نام‌ها و پس از آن بر ارزشمندی مفاهیم آنها تکیه داشتم.



# نام‌های پسران

الف

همراه من	Ābăm	آبام
افق. تیغه کوه	Āro	آر
مجرب، کاردان	Ārofte	آرفته
آرزو	Ārmun	آرمون
آرزو	Ārmon	آرمُن
آرامش و آسایش	Āromi	آرمى
آرزو	Ārmin	آرمین
آهنگ، ناله	Āreng	آرنگ
سالم و تندrstت	Āză	آزا
سالم و تندrstت	Āzăd	آزاد
فقیر	Āž	آژ
صخره پلکانی	Āston	آستُن
شاهین	Āšo	آشو
کوهی در شمال مسجد سلمان	Ālă	آلَا
بهانه	Ālăn	آلان
گرفتار، مبتلا	Ālende	آلنده
نامی رایج	Āceră	آچرا
منطقه و طایفه‌ای بختیاری	Ārpenă	آرپنا
الاسوند، طایفه‌ای بختیاری	alas	الاس
نوعی سروکه چون به پیری رسد،	ahul	اهول
خودسوزی کرده می‌میرد، نام دیگر آن		
اول و ایل است.		
سرگردان. گوشه‌ای محزون از آوازهای	Alun	آلون
بختیاری		
هجوم و حمله	oreš	أُرش



۶



٧

بعض	Arăz	اراز
سپاه، لشگر	Ordi	اردى
فقیر، بیچاره	Zăr	زار
آزمایش کننده	Ezmă	ازما
ستون. تکیه گاه	Estim	استيم
شکرگزار، سپاسگزار	Ešgăr	اشگار
شنوا	Ašnă	اشنا
شتاب	Eštav	اشتاو
صخره	Altăš	التاش
نام شعر و آهنگی معروف، عاشق یا معشوقی خیالی	Almăń	المان
نام شعر و آهنگی معروف، عاشق یا معشوقی خیالی	Olmăń	المان
عقاب	Alav	آللو
قومی باستانی که در بختیاری می زیستند. پایتخت آنان ایاپیر (مالمیر) بود.	Elimă	إيلاما
افسون. دعا	Avsin	اوسيين
یاد، خیال	IYăs	اياس
ما	Imă	ايما
خودمانی، ازما	Imăni	ايemanى
زرده «زردکوه» بختیاری، هفت ستیغ دارد که به هفت تنان مشهور است که بلندترین آن ایلوگ (ایلبگ، ایلخان) نام دارد. نام دیگر این قله «تیز» است.	iLvag	ايلوگ
منطقه‌ای در جنوب بختیاری	armand	ارمند

## ب

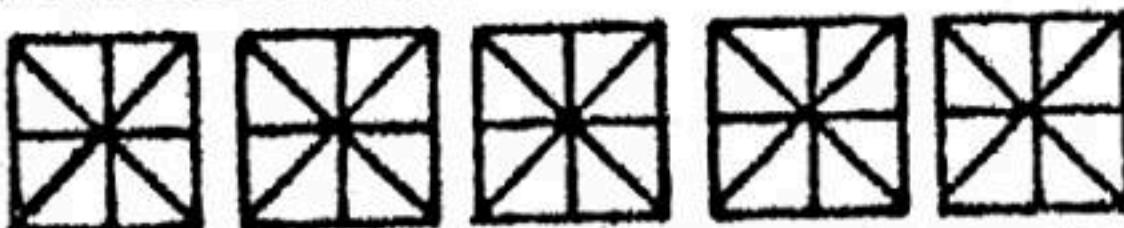
سرزمینی جنگلی و زیبا در بختیاری	Băš	باش
پنهان	Băzoft	بازفت
غريب، بي موطن	Beňdăr	بئدار
منطقه‌اي در بختیاری	Beňvăr	بئوار
دروگر	Bărez	بارِز
نام يكى از طوایف دیناران	Băzyär	بازیار
پرنده	Bămir	بامیر
پرنده	Băndo	باندو
عزيز	Bănde	بانده
عزيز	Băva	باوا
کس و کار، فاميل پدری	Băvăm	باواام
کس و کار، فاميل پدری	Băvăn	باوان
پرنده	Băvon	باون
دردمند و معیوب	Băhende	باهنده
نامى رايچ	Băyär	بايار
برادر	Baxtiyar	بختیار
برادرم (مخفف برام)	Berăr	برار
سنگي. مقاوم. نام طایفه‌اي از اسيوند	Berăm	برام
بلوط	Bardin	بردين
بهمن	Bali	بلی
پيكر و اندام	Barfiz	برفیز
آفرین، مرجا	Baruk	بروك
موم و عسل معطر	Beruhi	بروهی
	Barmim	برمیم



۸

چون برکه، چون دریاچه	Barmin	برمین
طایفه‌ای چالنگ	Bămsir	بامسیر
آرزومند	Beštar	بشتار
سپاسگزار	Bešgăr	بشگار
وفا	Bafă	بفا
بلندی صعب‌العبور	Bonăr	بنار
گرفتار. منتظر	Bandăr	بندار
گرفتار. منتظر	Bandăl	بنداں
گرفتار. منتظر	Bandar	بندر
گرفتار. منتظر	Bandir	بندیر
مشهور و پرآوازه	Benemon	بنمن
پیشواز. پیشرو	Beniyă	بنيا
انتظار	Burenkin	بورنکین
پنهان	Behdăr	بهدار
گیاهی که زرد شدنش خبر از پایان بهار می‌دهد.	Bahme	بهمه
برف و بوران	Beyrom	بیرم
غريب، بي موطن	Bivăr	بيوار
بيدار	Biyăr	بي يار
منطقه‌ای در جنوب بختيارى	Bolvas	بولواس

\*\*\*



پ

ماندگار، پایدار	Păger	پاگر
پایدار، مقاوم. همیشگی	Păyăr	پایار
پرتو	Parmand	پرمند
نامی رایج	Păpi	پاپی
نامی رایج - پدربزرگ هم معنی می دهد.	Păpă	پاپا
ژرف، عمق	Payă	پیا
چوان بالغ و برومند. نوزاد پرنده آماده پرواز. دور افتاده و مهجور	Pernăk	پرناک
چوان بالغ و برومند. نوزاد پرنده آماده پرواز. دور افتاده و مهجور	Parnăki	پرناکی
آشفته حال	Pariš	پریش
دستیار شبان. آنکه گوشه و کنار را پاسبانی می دهد	Parivăń	پریوان
دستیار شبان	Parivón	پریون
پشیمان	Pašivăń	پشیوان
پشیمان	Pašivoň	پشیون
مرد، جوانمرد	Piyă	پیا
نوعی گیاه سبک و ظریف که در خزان پائیز به آسانی دستخوش آتش و دستاویز باد می شود.	Piyar	پیار
نوعی گیاه سبک و ظریف که در خزان پائیز به آسانی دستخوش آتش و دستاویز باد می شود.	Pivăr	پیوار



۱۰

ت

تایپ	Tăper	تنها، منزوی
تاز	Tărăz	کوهی در مرکز بختیاری
تمندر	Tamandar	رودی در شمال بختیاری
تاشا	Tăšă	تراشنده. کوهکن، لقب فرهاد کوهکن
تاشین	Tăšin	همچون صخره، سخت و مقاوم
تاوین	Tăvin	برابر، همسان. میزان
تاوینا	Tăvină	برابر، همسان. میزان
تنه‌می	Tanami	آدم کارآمد
توار	Tavăr	صخره
توانی	Tavăni	قدرت
تهنا	Tehnă	تنها
تیار	Tayăr	کامل. آماده، مهیا
تیام	Tiyăm	چشمانم
تی ٹر	Titor	تیرانداز
تیردار	Tirdăr	صیاد
تیرش	Tiraš	چشم عسلی. آنکه رنگ چشممش به زردی می‌زند.
تیفون	Tifun	طوفان. موج
تیکلا	Tiklă	آخرین اتابک بختیاری
تیگدار	Tigdăr	خوش اقبال
تیلا	Tilă	عصای دست. تکیه‌گاه
تیمدار	Tindăr	اصل و نسب دار، اصیل
تی نا	Teynă	تنها، نقشه‌کش و مدبر
تیمار	Tiyăr	کامل، آماده، مهیا



ج

خشمگین	Jereni	جزنی
همچون قوش	Jurbăš	جورباش
همچون جان	Jurgin	جورگین
***		

ج

با هوش، گره گشنا	Caryăr	چاربار
گیاهی است	Căvok	چاوک
گیاهی است	Cedervă	چدروا
چراغ	Ceră	چرا
چراغ من، روشنایی من	Cerăm	چرام
آرزومند، حسرت به دل	Cezăr	چزار
کوه کوچک و کم ارتفاع	Cegă	چگا
تنپوش قومی بختیاری ها	Cuxă	چوخا
نام محل و طایفه ای در بختیاری	Cehrăz	چهراز
همچون جان، عزیز جانی	Cigin	چیگین
کوه کوچک و کم ارتفاع	Ciyă	چیبا
نامی رایج	Cerăxăń	چراخان
طایفه ای چالنگ	CiyĂL	چیال



۱۲

\*\*\*



ح

حمایتگر

نامی رایج

\*\*\*

Hămin

Heyron

حامین

خیرن

خ

فاخر، محتشم

خسته

ساکت، باوقار، متین، خوددار

لقب اتابکان بختیاری

خوشنام.

\*\*\*

Xăni

Xastin

Xoger

Xomkăr

Xošno

خانی

خستین

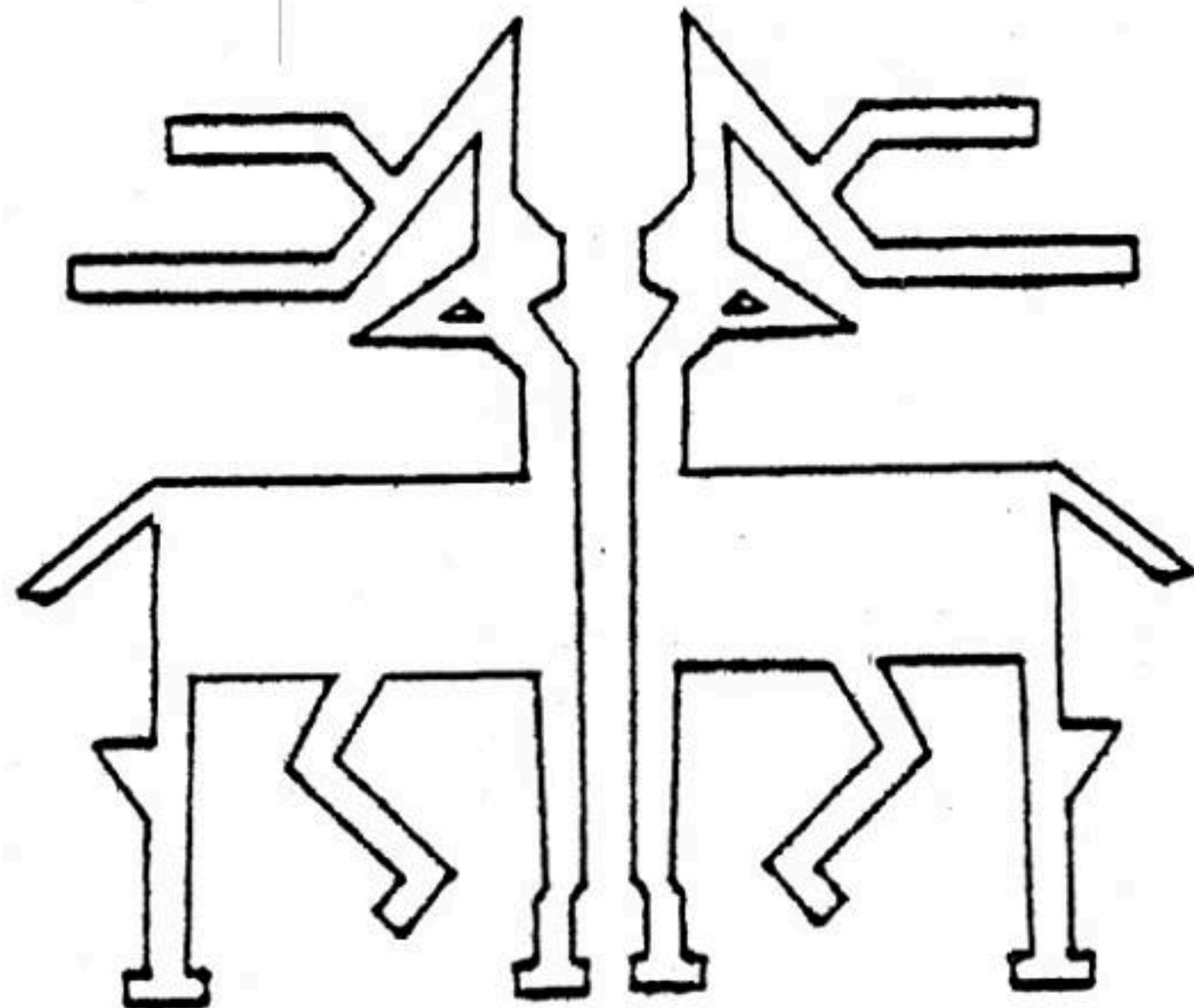
خوگر

خُمکار

خُشنو



۱۳



موطن مادری	Dăvăr	داوار
تندرست، سالم	Deresd	درسد
سالم باش	Derestbă	درستبا
تندرست، سالم	Derestlär	درستلار
تندرست، سالم	Derestlăš	درستلاش
سالم	Dervă	دوا
سالم تن	Dervälär	دروالار
سالم تن	Dervälăš	دروالاش
منطقه‌ای مهم در جنوب بختیاری	Dezbăr	دزبار
صاحب قلعه	dezsăr	دزدار
منطقه‌ای مهم در جنوب بختیاری	Desbăr	دسبار
مهربان و دلپاک	Delespe	دلسپه
مهربان و دلپاک	Delespid	دلسپید
دلشاد	Delša	دلشا
نامی رایج	Delyăr	دلیار
داوود	Devit	دویت
آشکار. تصور و خیال	Diyăr	دیار
نامی رایج	Dinăr	دینار
آنکه و آنچه نزدیک و در چشم رس ماست.	Diyări	دیاری
منطقه‌ای در بختیاری	Despărt	دسپارت
طایفه‌ای بختیاری	Dehnăš	دهناش
طایفه‌ای بختیاری	Dinăš	دیناش
مکانی کهن در شمال بختیاری	Derman	درمن



تریست کننده اسب	Răjez	راجز
خوش هیکل و بور (بلوند)	Raštár	رشتار
خوش هیکل و بور (بلوند)	Rašdár	رشدار
لايق، باکفايت	Ruzbin	روزبين
لايق، باکفايت	Ruzmin	روزمين
همچون آفتاب، روشن	Ruzin	روzin
روناس	Rondás	رونداس
رهگذر	Rahdár	رهدار
رهگذر، مسافر	Rahvár	رهوار
گسيل شده، پيک، مسافر	Rahi	رهي
رهگذر	Ráhdár	رئدار
صاحب گله اسبان	Ramdár	رمدار

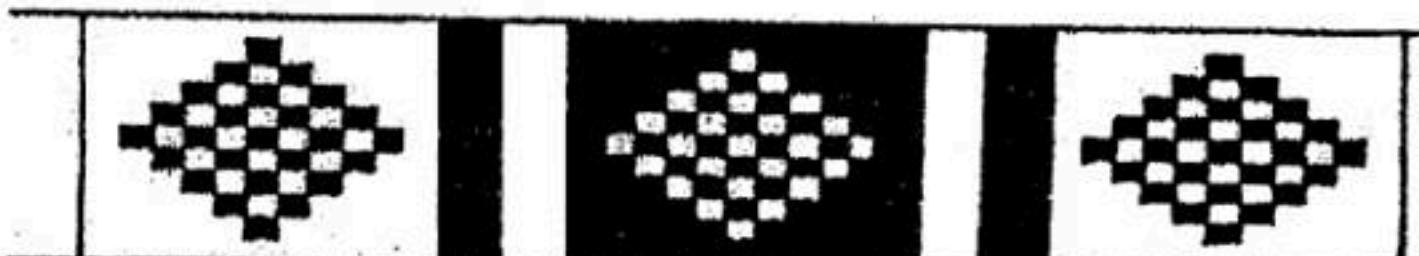
\*\*\*



۱۵

رشته کوه زاگرس که سراسر بختياری را فراگرفته است.	zăgros	زاگروس
کرفس تازه روئیده. روشن و سفید	zál	زال
نام محل و طایفه‌ای در بختياری	Zarás	زراس
محکم	zavard	зорد
سخت. دشوار	Zurin	зорين

\*\*\*



## س

سردسیر، ییلاق	Sarhad	سرحد
سوار (جنگجو)	siyār	سیار
نامی رایج	Sătyăr	ساتیار
ساپیان	săvăt	سوات
ستون، تکیه‌گاه	setin	ستین
به روی چشمانم	Sartim	سرتیم
نام رودی در شمال بختیاری	Sezăr	سزار
سوار (جنگجو)	Sovăr	سوار
موطن سبز و خرم. یورت بهاره عشاير	savzevăr	سووزوار (سبزوار)
باوقار	savir	سویر
بلندی‌های صعب‌العبور که بزکوهی بیشتر در آنجا زندگی می‌کند.	saďdun	سءدون (سئدون)
پیغام	saďdi	سءدی (سئدی)
پیغام	saďđi	سءدی (سئدی)
هواه خواه	sitxa	سیتخوا
جایی که گل سرخ انبوه و فراوان روید و نه هیچ‌گیاهی دیگر.	sohrän	سؤران
طايفه‌ای است	somäl	سُمال
روستایی در شمال بختیاری	sălan	سالن
***		



۱۶

ش

سر به زیر، افتاده. مراد لاله واژگون است	Šehvăr	شوار
شاهین	šabim	شایم
نامی رایج	Širān	شیران
شبيخون	Šaxi	شوخي
نام طایفه‌ای	Šiyas	شیاس
سرکش، جنگجو	Šarăk	شراک
چوپان	Šon	شُن
نقشه کش، مدبّر و چاره‌ساز	Šurtan	شورتن
تهاجم، جنگ	Šureš	شورش
مهاجم، حمله‌کننده	šurnă	شورنا
سر به زیر، افتاده. مراد لاله واژگون است	Šivar	شیوار
بادی فرح انگیز و خوش	Šemăl	شِمال
نامی رایج	Šămir	شامیر
***		



۱۷



غ

غريب

qariv

غريو

مه

qovăr

غوار

غمگين

qamon

غمون

\*\*\*

ف

جوان بالغ و برومند. نوزاد پرنده آماده

Fernák

فرناك

دورافتاده و مهجور

پرواز.

جوان بالغ و برومند. نوزاد پرنده آماده

Fernáki

فرناكى

دور افتاده و مهجور

پرواز.

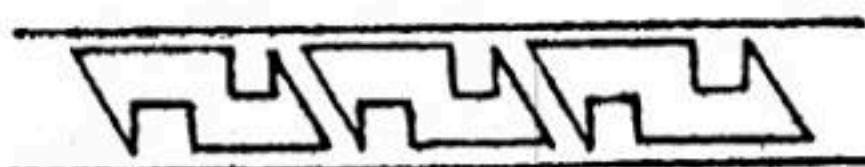
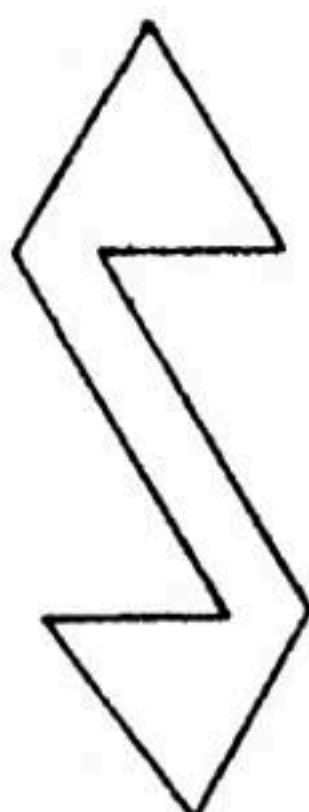
نوزاد پرنده آماده پرواز

Fernál

فرنال



۱۸



ک

محلی در بختیاری مرکزی	Kărtă	کارتا
نامی رایج. نام طایفه‌ای	Kušar	کوشار
طایفه و منطقه در بختیاری	Keymăs	کیماس
رود کارون	Kiyărs	کیارس
کشتگر، کارنده	Kărun	کارون
جنگ	Kălă	کالا
پسر مادر، عزیز مادر	Kălăt	کالات
نام رایج	Kordă	گردا
کوهی در مرکز بختیاری	Kordi	گردی
کوهی در مرکز بختیاری	Kalăr	کلار
عصای دست، پشتیبان	Kelăr	کلار
گردی. جامه‌ای که هنگام رزم پوشند	Kelăk	کلای
آنکه محصول را پیمانه می‌کند	Kurdin	کوردین
درختی است	kayăl	کیال
کوهی در مرکز بختیاری	Keyko	کیکه
مژدگانی	keynu	کی نو
***	Keyvan	کی ون (کیون)

گ

پیاپی، سریع. آنکه پیاپی بر دشمن حمله	Gorăń	گران
آورد		
طایفه‌ای از بختیاری	Gomăr	گمار
پیوسته، همیشگی	Gorăne	گرانه

\*\*\*



۱۹

باران تند، سیل	Lăh̄ez	لاهئز
باران تند، سیل	Lăhiz	لاهیز
سیاه چرده	Lati	لتی
مهاجم، حمله آورنده	Lernă	لرنا
تنها، بزرگری که به تنها یی درو کند	Lu	لو
***		

شکست خورده	Măti	ماتی
نامی رایج	Merdăs	مرداس
گمان، تصور. توان	Marvă	مراوا
بره کوچک و شیرخواره. ظریف و دوست	Mendăl	مندال
داشتني		
بره کوچک و شیرخواره. ظریف و دوست	Mandăl	مندال
داشتني		
منتظر، چشم براه	Mandir	مندیر
محلی در منطقه ممبینی در جنوب بختیاری	Mongăr	مونگار
ثروتمند	Monand	مونند
ماندگار	Maňnă	مهنا
شکارچی، نوازنده	Miškăl	میشکال
طایفه و منطقه‌ای در جنوب بختیاری	Milăs	میلاس
طایفه‌ای چالنگ	Mikur	میکور
***		



ن

نگهدار	Niyār	نیار
نگهدار. جلودار	Niyādār	نیادار
اثر	Netăr	نتار
سایه سار	Nesăr	نسار
هیکلمند	Nakul	نکول
نهیب. قوت قلب	Negbe	نگبه
جلوه، نمود	Nemon	نمون
نوین، تازه موطن جدید	Nuvăr	نوار
چشم براه، مشتاق	Niyār	نیار
نامی رایج. جاویدان	Nămir	نامیر

\*\*\*

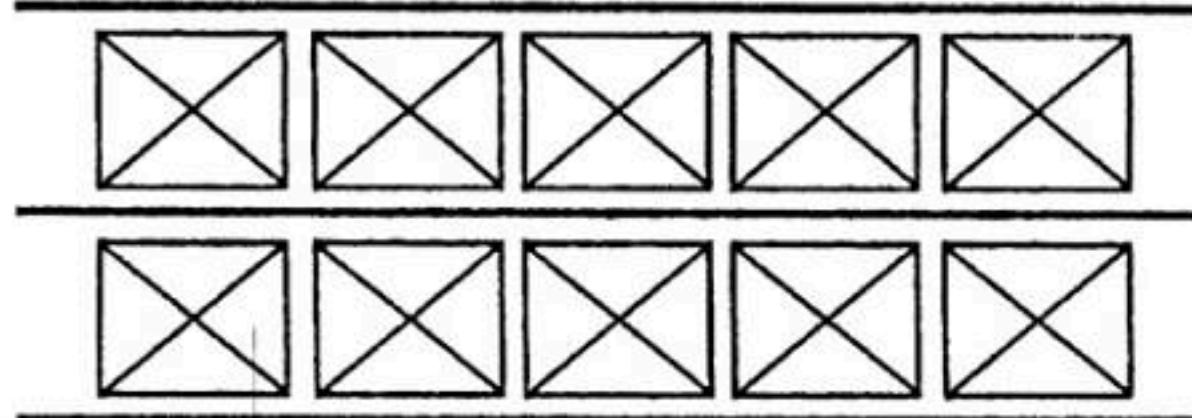
و

سنجدیده، حساب شده	Vătejă	(واتجا) واته جا
دور، مهجور	Wădir	وادیر
موطن، یورت قبایل در ییلاق و قشلاق	Văr	وار
اہل. پسندیده	Varjă	ورجا
برف و باران تند. بارش	Vašan	وشن

\*\*\*



۲۱



حمله کننده، متعصب و غیرتی	<b>Heňzáră</b>	هئزآرا
حمله کننده، متعصب و غیرتی	<b>Heňzár</b>	هئزار
آغاز رویش گیاه، بهار	<b>Heňzán</b>	هئزان
آشتی، صلح	<b>Hästi</b>	هاشتی
نفس	<b>Hanas</b>	هننس
شاهین	<b>Hăšo</b>	هاشو
آبشار. بهمن	<b>Hăriz</b>	هاریز
حمله، یورش	<b>Hajimăt</b>	هجیمات
فریادگر، پرخاشجو	<b>Helărnă</b>	هلارننا
هجوم، یورش	<b>Halmat</b>	هلمت
هدف، مقصد	<b>Homăc</b>	هماج
هم سن و سال	<b>Homdă</b>	همدا
امن. آهسته	<b>Hovăr</b>	هوار
یار، کمک کننده	<b>Hayăr</b>	هیار
فریاد، بانگ	<b>Hayă</b>	هیا
یار، فریادرس. کمک	<b>Hayäre</b>	هیاره
فریاد امدادخواهی	<b>Heyjăr</b>	هیجار
هیکلمند، خوش قد و قامت	<b>Heylän</b>	هیلان



\*\*\*

شوندہ، شنوا. آشنا	<b>yašnă</b>	یشنا
روستایی در شمال بختیاری	<b>yunăń</b>	یونان

# نام‌های دختران

الف

همراه مادر	Ăbădă	آبادا
آرزو، نام محلی در بختیاری	Ărezi	آرزی
آراسته	Ărestin	آرستین
آرامش و آسایش	Ăromi	آرمی
ستاره	Ăsăre	آساره
ستارگان	Ăstără	آستارا
ستاره	Ăstăre	آستاره
آفریده مادر	Ăfdă	آفیردا
عشوه، غمزه	Ălmit	آلmit
معطر، خوشبو	Artin	ارتین
معطر، خوشبو	Artine	ارتینه
اشک آلود. گل لاله واژگون	Arsin	ارسین
سفید	Espi	اسپی
استراحت	Elăl	الال
خوش قد و هیکل. نام شعر و آهنگی	Almăń	المان
مشهور		
خوش قد و هیکل. نام شعر و آهنگی	Olmăń	المان
مشهور		
ما	Imă	ایما

\*\*\*



۲۳

## ب

بگذار بماند. ماندگار و پایدار	Beħlă	بلا
باب دل، پسند	Bădel	بادل
رقصنده، خوش رقص	Băză	بازا
پرنده	Băndo	باندو
پرنده	Bănde	بانده
بابونه	Băvine	باوینه
درخشان	Bercă	برچا
درخشان	Bercin	برچین
همچون برف سپید	Barfine	برفین
سپید، همچون برف	Baefine	برفینه
همچون برکه، همچون دریاچه	Barmin	برمین
موم و عسل معطر	Barmim	برمیم
مرجان، صدف	Besed	بسد
آرزومند	Beštăr	بشتار
درخشنده	Beleħvă	بلئوا
عروض تلفظ چالنگی «بهیگ» است.	Bahi	بهی
گمشده، ناپیدا	Belă	بلا
شعلهور	Belăză	بلازا
شعله آتش	Belăze	بلازه
معشوق و دلببر. یکی از ترانه‌ها و افسانه‌های	Belăl	بلال
مردم بختیاری		
درخشنده	Belivă	بلیوا
گردن بند. نوعی از زینت آلات	Bonnă	بن نا
پیشواز. پیشرو	Beniyă	بنیما
عزیز و جانی. در موقع ناز به بچه گویند	Budel	بودل
عروض، تلقط دیگر «بهیگ» است.	Behi	بهی
بانوی طلایی	Bitelă	بیتلار



همان بلال، معشوقه افسانه‌ای.  
نمود، جلوه  
\*\*\*

Bilăl  
Beynaš

بیلال  
بیناش

پ

متبرک، افسون	parpin	پرپین
پاک و پاکیزه	perčin	پرچین
پرستو	Preštuk	پرشتوک
همچون جوانه	perkin	پرکین
همچون جوانه	pergin	پرگین
نوزاد پرنده آماده پرواز. جوان برومند و دور افتاده و مهجور	pernăk	پرناک بالغ.
نوزاد پرنده آماده پرواز. جوان برومند و دور افتاده و مهجور	pernăki	پرناکی بالغ.
پرورنده، پروشگر	Parvenă	پروننا
پرتو	parvand	پروند
ستارگان خوشه پروین	pariz	پریز
آشفته حال	Pariš	پریش
جهیزیه عروس	pašă	پشا
گیسوان	pală	پلا
آرام، باقرار	pură	پورا
گیسوی گندم	puren	پورن
پرده‌ای از حریر نازک	pure	پوره
ابزاری زینتی	pigul	پیگول
پونه	Pine	پینه
ژرفای، عمق	Payă	پیا
***		



تنها	Tehnă	تئنا
برابر، همسان. میزان	Tăvină	تاوینا
زیبا و شاداب، لعبت	Tarăl	ترال
گیسوان	Tornă	ترنا
گیسو	Torne	ترنه
گونه‌ای رقص بختیاری	Tutăy	توتای
آتشی. لاله سرخ	Taši	تشی
پاک. مقدس. نام افسانه‌ای مشهور در ادبیات بختیاری	Tamti	تمتی
تن درست	Tanša	تنشا
بافنده، قالی باف	Tană	تنا
درخچه‌ای است	Tanges	تنگس
تن درست	Tanăză	تازا
ستاره‌ای از ستارگان هفت برادران	Turak	تورک
ستاره. دانه انگور	Turuk	توروک
تیهو (پرنده)	Tuhi	توهی
قطره باران. نرمه باران	Tevise	توبیسه
تنها	Tehnă	تهنا
پرنده‌ای که شب‌ها می‌خواند	Titak	تیتک
سرمه	Titiyă	تی تیا
چشم مادر	Tidă	تی دا
تمشک وحشی	Tidere	تیدره
تمشک وحشی	Tideri	تی دری



چشم روشن	Tirušnă	تیریشنا
دانه انگور	Tiriķe	تیریکه
دانه انگور	Tirik	تیریک
جوانه گندم و جو، جوانه گیاه	Tife	تیفه
چشم سبز	Tikāl	تیکال
عصای دست	Tilā	تیلا
نهال. نشاء فتنه	Time	تیمه
تنها. بافنده (دختر)	Teynă	تی نا
درهای در شمال مسجد سلیمان	Tină	تینا

\*\*\*



## ج

عزیز جانی	Jăne	جانه
عزیز جانی	Jăni	جانی
زیبا	Javăń	جوان
زیبا	Jevăń	جوان
زیبایی	Javăni	جوانی
همچون مادر	Jurdă	جوردا
همچون جان	Jurgin	جورگین
***		

## ج

چراغ	Ceră	چرا
چراغ من. روشنایی من	Cerăm	چرام
کوه کوچک و وکم ارتفاع	Cegă	چگا
رقص گروهی بختیاری ها	Cupi	چوپی
گیاهی خوشبو	Cavil	چویل
چون طلا	Citelă	چیتلا
همچون مادر	Cidă	چیدا
مانند روز، مانند آفتاب	Ciruz	چیروز
همچون گل	Cigol	چیگل
کوهی در بختیاری	Cilăń	چیلان
همچون ماه	Cinăh	چی مه
بافنده، بانوی هنرمند	Cină	چینا
مکانی سرسبز در جنوب بختیاری	Ciden	چیدن
شبینم	Com	چم
کوه چری یا چرین که همیشه مه آلود است.	Cărin	چرین



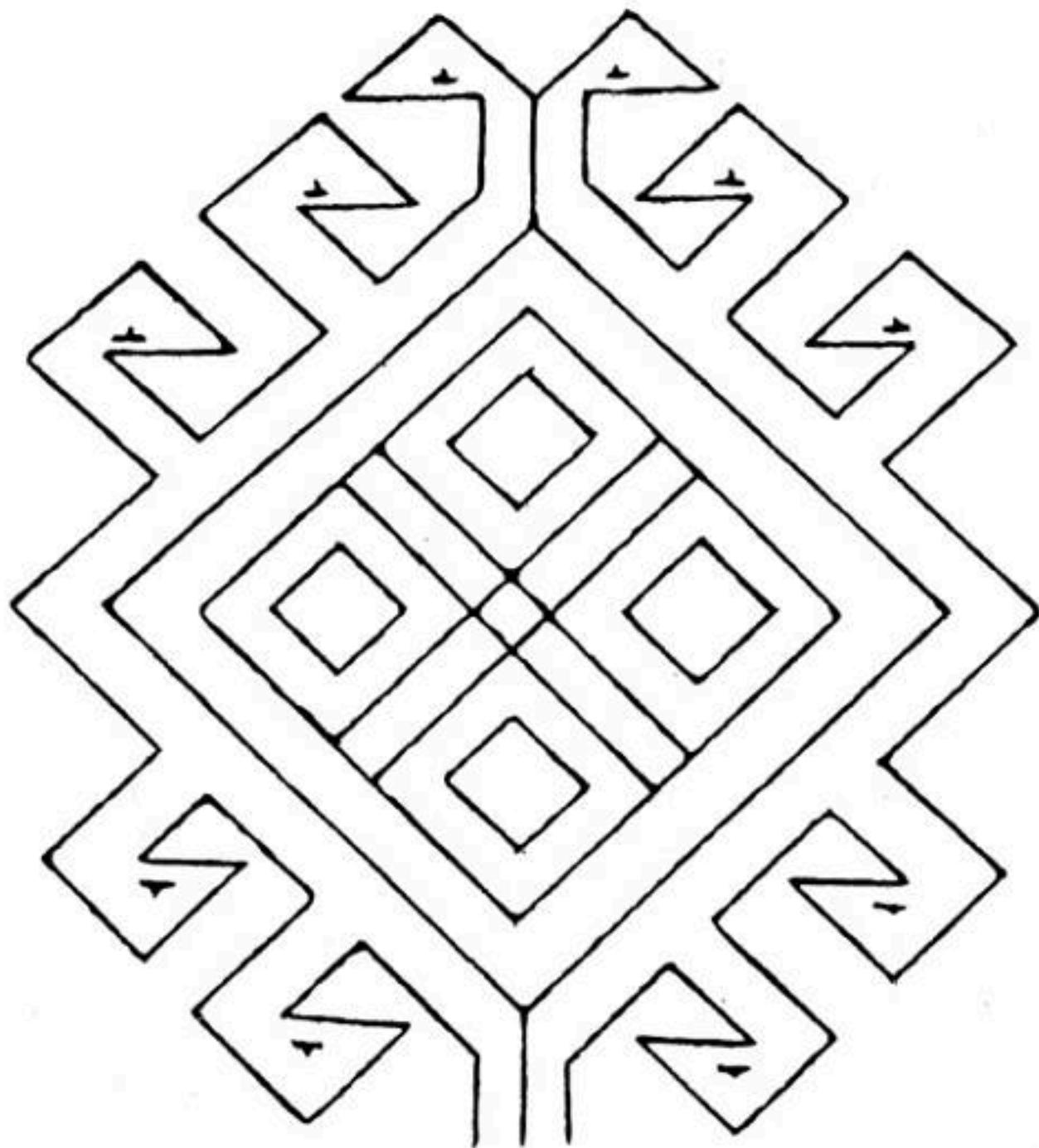
خ

خاتون	xati	خاتی
خاتون	xatin	خاتین
خوب، نیکو	Xašin	خشین
خوش تن، خوب تن	xoşlär	خوشلار
حیف از او. عالی، ارزشمند	xeyfi	خیفی

\*\*\*



۲۹



گرفتار، معطل	Dăăle	دالاله
مشهور آوازی افسانه‌ای. شعر و معشوقه‌ای	Dăyni	داینی
دختر مادر، عزیز مادر	Dordă	دردا
گل دختر	dorgol	درگل
دختر نازنین	Dornăz	درناز
دختر نازنین	Dornăze	درنازه
تندرست، سالم	Dervă	دروا
دختر بور (بلوند)	Dorhil	درهیل
دریا	Deryă	دریا
النگو. نوعی زینت آلات	Dastine	دستینه
عروسوی	Dăvat	دواط
نام کوهی در مرکز بختیاری	Delă	دلا
مهربان و دل پاک	Delespe	دلسپه
مهربان، دل پاک	Delespi	دلسپی
مهربان و دل پاک	Delespid	دلسپید
	Delša	دلشا
آسوده، مطمئن	Delnăde	دلناده
آسوده، مطمئن	Delnăhă	دلناها
آسوده، مطمئن	Delnehă	دلنها
تصرف کننده قلب‌ها	Delvăger	دلواگر
آفتتابگیر	Deli	دلی
شجاع‌دار	Deldăr	دلدار
کوهی در جنوب و سرحد بختیاری	Denă	دنا



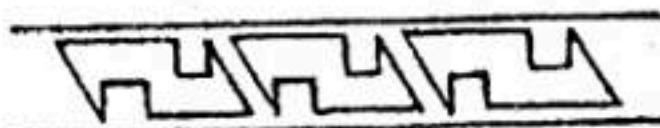
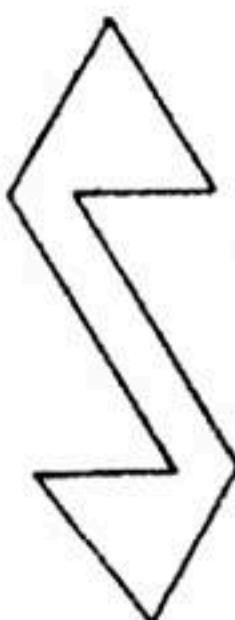
مطلا	Rodgol	ردهگل
زیبا، خوش قد و قامت	Raštäl	رشتال
نقش چهارگوش با طرح کنگرهای در بافته‌های بختیاری	Rašme	رشمه
زرد موی. بور (بلوند)	Rašmi	رشمی
محبت، حمایت	Rašne	رشنه
زرد موی و زیبا. بور (بلوند)	Rašin	رشین
روشن	Rušnă	روشنا
روشن	Rišnă	ريشنا

\*\*\*

## ز

برای مادر، متعلق به مادر	Zedä	زادا
گردن بند. نوعی زینت آلات	Zarnă	زرنا
ستاره. ستاره کاروانکش، ستاره سحر	Zele	زله
مکان و طایفه‌ای چالنگ	Zilă	زيلا

\*\*\*



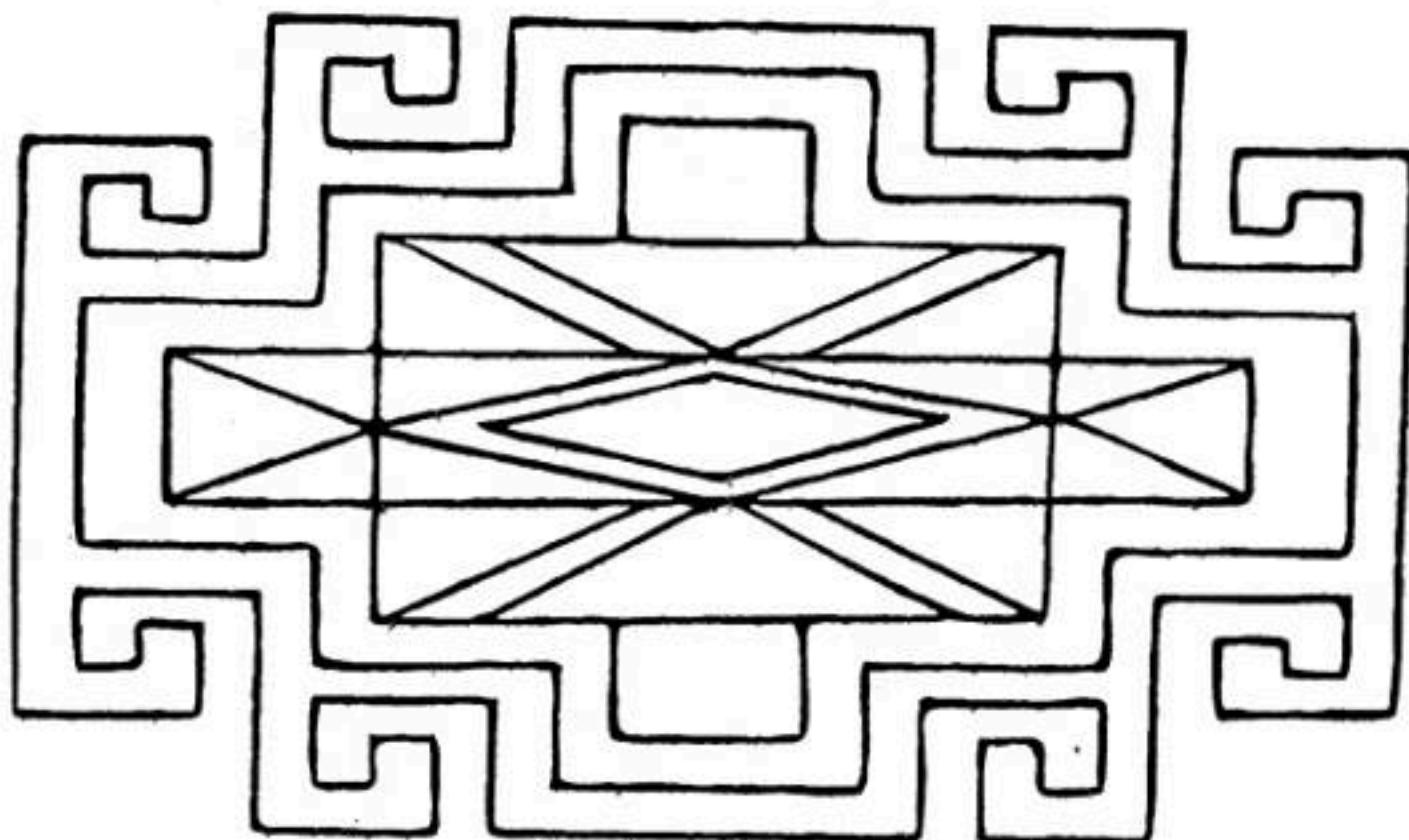
## س

زن جا افتاده	Sără	سارا
زن جا افتاده	Săre	ساره
کوچک و معصوم	Săvă	ساوا
تکیه‌گاه. ستون	setin	ستین
به روی چشم	sarti	سرتی
به روی چشمانم	sartim	سرتیم
شاپرک	Seză	سزا
سرپرین، همچون سرو. نامی رایج	Salbi	سلبی
گیاهی است	Senă	سنا
گل سرخ	Sorgol	سُورگُل
آواز غمگنانه‌ای لُری که جمعی خوانده نمی‌شود و هر بختیاری در تنها یی زمزمه می‌کند.	Seru	سِرُو

\*\*\*



۳۲



ش

شئوار

شارا

شاراز

شاره

شاشا

شایی

شتی

شرمو

شرمین

شِریلار

شِرین

شکیم

شلا

شلال

شِلامه

شمال

شمل

شمنا

شمہ

شمی

شنته

شندار

شندر

šehvăr

Šärä

Šäräz

šäre

Šäšä

šai

Šati

Šarmu

Šarmin

Šerilär

Šerin

Šekim

Šală

Šeläl

Šelâme

Šemäl

Šamal

Šemnă

šame

Šami

Šente

Šandär

Šandor

افتداده، سر به زیر. مراد لاله واژگون است

هلو

پرنده‌ای شبیه کبوتر

نامی رایج

نامی رایج

شادی

گندم با گیسوان بلند

باشرم و حیا

باشرم و حیا

شیرین اندام

شیرین

شگون

نام منطقه‌ای در شمال مسجد سلیمان

بلند بالا، کشیده قد

نقشی در بافت‌های بختیاری

بادی فرح‌انگیز و خوش و خنک

زیبا، دوست داشتنی

آشوبگر

نقشه، توطئه

نام محلی در جنوب بختیاری و یکی از

مراکز تمدن در بختیاری

آشفته

نازدار

ناز دختر



نازبدن	Šandlär	شندلار
نازدار، عشهه گر	Šandi	شندی
نازدار، عشهه گر	šandin	شندین
نازدار، عشهه گر	šandine	شندینه
تمشك	Šenge	شنگه
در وصف معشوق گويند	Šoleył	شوليل
آغاز	šorvă	شروا
همچون شب	šavi	شوي
همچون شب	šavin	شوين
شگون	Šikim	شيكيم
همچون جوانه، همچون شاخه بلند.	Šili	شيلي
قامت		
بلند قامت	šilin	شيلين
بلند قامت	šiline	شيلينه
دشتی زیبا در بختیاری	šinbăr	شينبار
افتاده، سربه زیر. مراد لاله واژگون	Šivär	شيار
گل رُز	šäri	شهرى
گل رُز	šarin	شهرين
منطقه‌ای در جنوب بختیاری از نخستین	Šardin	شاردين
نقاط کشف نفت		



۳۴

برهه کوچک و قشنگ. معشوق

qazäl

غزال

\*\*\*

غ

ف

نامی رایج	Farxe	فرخه
مانوس، انس گرفته. پرستو	Fereštuk	فرشتوك
نوزاد پرنده آماده پرواز. جوان برومند و	Fernák	فرناک
دور افتاده و مهجور	Fernăl	بالغ.
نوزاد پرنده آماده پرواز	Fereng	فرنال
ادب و هنجار	Ferabă	فرنگ
فراوان باد	Ferami	فرهبا
گیسو پریشان	Feranăz	فرهمنی
پرناز و عشه	Făš	فرهناز
شکوفه، شکوفه گُنار (سدر)		فاش

\*\*\*



۳۵

ك

زلف	Kărnél	كارنل
آن که موی مجعد دارد	Kerenjmi	كرنجمي
انار کوچک	Koruk	کروک
کبوتر	kemutar	كموتر
آنکه موی مجعد دارد	kenjmi	كنجمي
کوچک، ظریف	kucir	کوچير
درختی است	Keykom	کيکم
نام کوهی در مرکز بختیاری	Keynu	کي نو
مزدگانی	Keyvan	کي ون

\*\*\*

گریان. گل لاله واژگون	Gerehvă	گرئوا
النگو	Gerci	گرچی
گریان. گل لاله واژگون	Gerivă	گریوا
گریه	Gerive	گریوه
مردمک چشم	golăre	گلاره
مردمک چشم	Golăle	گلاله
بچه ماهی	Gelar	گلر
گل گریان. (لاله واژگون)	Golgriv	گل گریو
آتشین، اخگری	Golin	گلین
نقشی در بافته‌های بختیاری. گوشواره	gušăr	گوشار
پیوسته، همیشگی	gorăne	گرانه
***		



آرام، باقرار	Leħzär	لئزار
نشان، خال، علامت	Lăză	لازا
آنکه خال یا نشان بر تن دارد	Lăzăr	لازار
آنکه خال بر صورت دارد. آنکه نشان بر تن دارد	Lăze	لازه
آنکه نشانی بر روی یا تن دارد	Lăzi	لازی
آنکه خال یا نشان بر تن دارد	Lăzin	لازين
گُل. هموار و موزون	Lăl	لال
آواز لالایی. گُل	Lălä	لالا
نام شهر و دشتی در شمال مسجد سلیمان.	Lăli	لالی
نخستین نقاط کشف نفت		
درخشان	Lerkă	لرکا

نوعی گل	Leli	للى
آرام، باقرار	Lizăr	لizar
همچون لیل، پرنده‌ای سفید رنگ و ظریف	Lili	لیلی
نیلوفر	Lilifar	لیلی فر
لیمو	Limun	لیمون
لیمو	Limi	لیمی
گونه‌ای رقص	Leylăne	لیلانه
نام دیگر لالی، شهر و دشتی در شمال بختیاری. نخستین نقاط کشف نفت	Leynă	لینا

\*\*\*

		M
مارو	Măru	
مرزنگ	Merzeng	
مرغا	Mară	
مراوا	Marvă	
مارکا	Mărkă	
ماماتین	Mămătin	
مرواری	Mervări	
مری	Mari	
مزرو	Mežo	
ملال	Melăl	
قرمز عنابی		
گیاه شیرین بیان	Mali	ملی
درون چشم، عزیز و جانی	Menti	متی
بره کوچک و شیرخواره. ظریف و دوست	Mendăl	مندال



## داشتني

منتظر، معطل	Mandir	مندير
قطره ماه	Mahtok	مهتك
مرواريد	Mirvāri	ميرواري
***		

## ن

همچون انار، سرخ روی و شاداب	Narin	نارين
همچون انار، سرخ روی و شاداب	Nărine	نارينه
دانه انار	Nărdong	ناردنگ
پرناز و عشوه	Năzdăr	نازار
پرناز، نازنين	Năzdăr	نازدار
ظريف. دقيق	Năzok	نازك
ظريف	Năzoke	نازكه
ناز پرورده	Năzlu	نازلو
نازنين. شاخه نورس	Năze	نازه
بهانه	Năsă	ناسا
نالنده، غمگين	Nălă	نلا
ظريف، لطيف	Narmin	نرمين
زيبا، نازدار	Nažăr	نثار
زيبا، نازدار	Naždăr	نثدار
سايهسار، ساييه	Nesă	نسا
سايهه مادر	Nesădă	نسادا
سايه سار، ساييه	Nesăr	نسار
سايه	Nese	نسه
سايهه مادر	Nesedă	نسهدا
پرناز	Našmin	نشمين



غمزه، عشهو	Naqme	نغمه
ناز و ادا	Namonă	نمونا
ناز و ادا	Namenă	نمہنا
نوین، تازه	Nuvăr	نوار
شاخه نورسته	Nurend	نورند
باد بهاری	Nušă	نوشا
باد بهاری	Nuše	نوشه
باد بهاری	Nuševă	نوشهوا
تازه جوان. جوانه و شاخهای که بردمیده باشد	Nušil	نوشیل
تازه اندام، شاداب تن	Nulăr	نولار
شوق و ذوق. انتظار و دلتگی	Niyăr	نیار
نامی رایج	Nistar	نیستر
لیمو	nimul	نیمول

\*\*\*

۹

دور، مهجور	Wădir	وادیر
پیشواز. پیشرو	Waniyă	وانیا
آرزو	Văye	وایه
پسندیده، شایسته	Vorjă	ورجا
پسندیده، شایسته	Varjă	ورجا
باران یا برف‌تند. بارش	Vašan	وشن
بانو	Venu	ونو

\*\*\*





٤٠

هرسین	Harsin	
هليک	Halik	
هليل	Halil	
همدا	Homdă	
هنا	Henă	
هnar	Hanăr	
هندہ	Hande	
هنہ	Hane	
هندا	Handă	
هنس	Hanas	
هوار	Hovăr	
هوشين	Hušin	
هيرمي	Hirmi	
هيرمو	Hirmu	
هيلدر	Hildor	
هيله	Hile	
هيلى	Hili	
هiero	Hiro	

اشک آلد. لاله واژگون.		
صاف و صيقلى. مرتب و منظم. لطيف		
صاف و صيقلى. مرتب و منظم. لطيف		
هم سن و سال		
آواز و صدا		
انار		
خنده		
خنده		
خندان		
نفس		
آهسته. امن		
خوشاهی		
گلابی		
گلابی		
دختر بور (بلوند)		
ظريف، زيبا، آنكه موی بور دارد		
هلو		
گل خطمى؛ گلى كه رو به آفتاب مى چرخد		

\*\*\*

ي

يارگل	yāgol	
ياريار	yāryär	